



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.244746.2167



OPEN ACCESS

Received: 2023/07/10

Accepted: 2024/01/09

Analyzing the Qualitative Criteria for Prioritizing Loan Applicants in Quranic Verses and Hadiths

Mohamad Sadegh Javdan[□]
Seyyed Mohammad Afghahi^{□□}
Ali Khoshniat Razgi^{□□□}

Abstract

One of the requirements for the realization of the new Islamic civilization is the implementation of the Islamic economic system in the society. Considering the scope and wide application of "loan contract", one of the most important questions in the design of the Islamic economic system is the criteria for prioritizing loan applicants. The discovery of these criteria, in addition to helping to find a part of the Islamic economic system as one of the effective solutions in the field of improving the productivity of the economic system, will lead to a better use of Qarz Al-Hosna funds in the banking system of Iran and fair distribution at the level of society. The main issue of the current research is what are the effective criteria for prioritizing loan applicants from the perspective of Islam. In this study, by using the fundamental and theoretical approach and thematic consideration in the Quran and referring to the interpretations and providing tips to the experts, the search for the desired criteria of Islam in prioritizing loan applicants has been done. Finally, it was found that according to the position of Qarz al-Hasna in Islam, two groups of criteria related to the present problem can be reached. The first group as criteria related to the merit of the applicant including the necessity of the need, the reason for becoming in need and the way of spending funds, his social behavior and the motivation of the applicant in repaying the loan and the second group as the criteria corresponding to the real desirability of the lender including the social ratio of the applicant and the lender And also the credit risk of the applicant was identified.

Keywords: Prioritization of loan applicants, Income redistribution system, Qarz al-Hasna, Islamic economic system.

JEL Classification: Z12, D63, E26, G21

□ Ph.D student, Department of Islamic Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

javdan@isu.ac.ir

0009-0005-9225-6613

□□ Ph.D student, Department of Finance, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, I.R.Iran.

sm_afghahi@atu.ac.ir

0009-0001-8631-286X

□□□ Masters student, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University (AS), Tehran, I.R.Iran.

khoshniat@isu.ac.ir

0009-0005-1381-2942

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۵۸-۵۲۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

واکاوی معیارهای کیفی اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض در آیات قرآن و روایات

محمدصادق جاودان*

سیدمحمد افقهی**

علی خوش‌نیت رزگی***

چکیده

از لازمه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی، پیاده‌سازی نظام اقتصادی اسلامی در جامعه است. با توجه به گستره و کاربرد فراوان «عقد قرض» ازجمله مهم‌ترین سؤالات مطرح در طراحی نظام اقتصادی اسلامی، معیارهای اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض است. کشف این معیارها علاوه بر کمک به یافتن بخشی از نظام اقتصاد اسلامی به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در زمینه ارتقای بهره‌وری نظام اقتصادی، منجر به استفاده بهتر از وجوه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران و توزیع عادلانه در سطح جامعه خواهد شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، چستی معیارهای مؤثر بر اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض از منظر اسلام است. در این مطالعه، با استفاده از رویکرد بنیادی و نظری و تدبیر موضوعی در قرآن و مراجعه به تفاسیر و ارائه نکات به صاحب‌نظران، به جستجوی معیارهای مورد نظر اسلام در اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض پرداخته شده است. درنهایت مشخص گردید که با توجه به جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام می‌توان به دو گروه معیار مرتبط با مسئله حاضر دست پیدا کرد. گروه اول به‌عنوان معیارهای مرتبط با شایستگی متقاضی شامل ضرورت نیاز، دلیل نیازمندشدن و مسیر مصرف وجوه، تعفف و رفتار اجتماعی وی و انگیزه متقاضی در بازپرداخت قرض و گروه دوم به‌عنوان معیارهای متناظر با مطلوبیت واقعی قرض‌دهنده شامل نسبت اجتماعی متقاضی و قرض‌دهنده و همچنین ریسک اعتباری متقاضی شناسایی شدند.

واژگان کلیدی: اولویت‌بندی متقاضیان قرض، نظام بازتوزیع درآمدها، قرض‌الحسنه، نظام اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: Z12, D63, E26, G21

* دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد مالی اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

javdan@isu.ac.ir

0009-0005-9225-6613

** دانشجوی دکتری، گروه مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

sm_afghahi@atu.ac.ir

0009-0001-8631-286X

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

khoshniat@isu.ac.ir

0009-0005-1381-2942

مقدمه

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران، فرصت کم نظیری برای شکل‌گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم شده است. از جمله الزامات رسیدن به این تمدن نوین، تحول ساختارها و فرایندهای نظام اجتماعی موجود است. نظام گردش دارایی‌ها، به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء نظام اقتصادی جامعه، نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، تعیین نسبت‌های اجتماعی و روابط میان‌فردی، توزیع ثروت و جهت‌دهی انگیزه‌های جامعه دارد. پس از ریشه‌دواندن فلسفه، علوم، الگوها و ابزارهای غربی بر اقتصاد ایران در سالیان دور، جریان‌های گردش دارایی‌های اقتصادی (که منبعث از مطلوبیت‌های فردی در چهارچوب‌های کلان فرایندها و جریان‌های اقتصادی و در قالب قراردادهای حقوقی طرح‌ریزی می‌گردد) در جامعه دچار انحرافات عمیقی از ایدئال‌ها و ارزش‌های اسلامی شده است.

از دیرباز، قرض از جمله اصلی‌ترین و متداول‌ترین روش‌های انتقال دارایی در میان جوامع انسانی بوده است. این سازوکار معمولاً به جهت رفع نیاز موقت افراد مورد استفاده قرار می‌گرفته است. معانی مختلفی برای قرض ذکر شده است از جمله اینکه قرض عبارت است از آن مالی که یک نفر به دیگری پرداخت می‌کند تا بدل آن را به او بازگرداند (ابن ادریس، ۱۴۱۰). در اصطلاح قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند؛ البته بدین صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مثل یا قیمت آن ضامن باشد و تعهد کند (خمينی، ۱۳۸۵). قرض از عقود معوضه است به گونه‌ای که مال از مالکیت قرض‌دهنده منتقل می‌شود و در برابر آن ذمه قرض‌گیرنده که یک امر اعتباری است، مشغول می‌گردد (خمينی، ۱۳۸۵). دین مبین اسلام نیز در زمان تشريع، این نهاد اجتماعی را مورد تأیید قرار داده است. باین حال خطوط قرمز (از جمله حرمت ربا، مذموم بودن نیت اخذ هرگونه زیاده مشروط، کراهت فشار بر مستقرض و...) و ایدئال‌های متعددی برای آن ترسیم نموده است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود اسلام، رویکرد منفعت‌گرایانه را از قرض زدوده و به آن نگاهی دگرخواهانه و خیرخواهانه بخشیده است. در دین مبین اسلام عقد قرض زیرمجموعه انفاقات تقسیم‌بندی شده است؛ چراکه در غالب موارد قرض دادن با نوعی ایثار و تبرع همراه

است. طبق نظام اقتصادی اسلامی اساساً عقد قرض زیرمجموعه عقود غیرانتقاعی قرار می‌گیرد. قراردادهای انتقاعی قراردادهایی هستند که به قصد احسان و نیکوکاری انجام می‌گیرد و عامل اصلی قرارداد به دنبال کسب سود و انتفاع نیست (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۵).

بنای بخش بزرگی از نظام مالی غرب و عملیات روزمره بر پایه این عقد بنا شده است؛ به طوری که در نظام مالی غرب، بازار پول، بخشی از بازار سرمایه و ابرنهاد بانک به دریافت و پرداخت قرض ربوی مشغول بوده‌اند. با این حال، همچون طاغوت‌های پیشین و به دلیل سلطه اندیشه فردگرا و مادی‌گرایانه، رویکردی منفعت‌طلبانه به قرض داشته است. رویکردی که یکی از نتایج آن استفاده ربوی از قرض و پیامدهای نامطلوب آن از جمله گسترش بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی، تمرکز ثروت، دشوار بودن جذب منابع مالی برای اقشار کم‌بضاعت جامعه و... شده است.

با توجه به لزوم استفاده صحیح از دارایی‌ها و وجوب رفع نیازهای ضروری دیگران، مسئله شایستگی و اولویت‌بندی مستقرضان ازجمله قدیمی‌ترین مسائل پیرامون استقراض بوده است. آنچه واضح است، تعیین شایستگی و اولویت‌بندی متقاضیان قرض تا حد زیادی از مطلوبیت‌ها و اولویت‌های ناشی از هدف استقراض تأثیر می‌پذیرد. آنچه در نظام مالی غرب به عنوان راه حل این مسئله مطرح شده است، اعتبارسنجی متقاضیان وام و اولویت‌بندی بر اساس اعتبار آن‌ها است. در فرایند اعتبارسنجی، قرض‌دهنده به ارزیابی سطح اعتبار (اطمینان به بازپرداخت شدن دارایی توسط قرض‌گیرنده) متقاضیان پرداخته و براین اساس آنان را اولویت‌بندی می‌کند. اولین تلاش‌های نظام‌مند برای اولویت‌بندی اعتباری از دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز گشته و تا به امروز مدل‌های متنوع بسیاری برای سنجش اعتبار و محاسبه ریسک اعتباری مطرح گردیده است.

علی‌رغم تلاش‌ها و دستاوردهای فراوان صورت گرفته در طراحی مدل‌های اولویت‌بندی متقاضیان، به دلیل غلبه نگاه صرفاً مادی، شدیداً محاسبه‌گر و فردگرایانه نظام فکری غرب به قرض، تنها به بررسی احتمال بازپرداخت قرض بسنده شده است. رواج چنین رویکردی منجر به رواج ساختارهایی فردگرا در جوامع می‌گردد که ضمن

از میان بردن بنیان روابط اجتماعی، تمرکز ثروت در جامعه را تشدید می‌نماید. با نگاه اولیه به آیات و روایات به نظر می‌رسد معیارهایی که اسلام در اولویت‌بندی متقاضیان قرض مدنظر دارد، فراتر از اعتبارسنجی است.

لازم به ذکر است اگرچه در مطالعات اسلامی به بررسی اولویت‌های انفاق و پرداخت صدقات توجه شده است؛ اما تحقیق جامعی بر تمام معیارهای مؤثر صورت نگرفته است. علاوه بر این، با توجه به اینکه قرض الحسنه برخلاف سایر افراد انفاق، یک قرارداد مدت‌دار است، ویژگی‌های متمایزی نسبت به آنها داشته و نیاز است تا اولویت‌بندی پرداخت آن از زوایای دیگری نیز بررسی گردد. بی‌شک کشف الگوی مطلوب اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض از منظر اسلام، گام مهمی در فهم الگوهای مالی مطلوب اسلام و طراحی نظام اقتصادی ایدئال اسلامی است، چراکه منجر به ایجاد ساختارهایی اجتماعی می‌گردد که ضمن جهت‌دهی منابع بنا بر الگوهای اسلامی، سایر ساختارهای اجتماعی را نیز دستخوش تغییر خواهد نمود.

بر همین اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر به شناخت معیارهای مورد توجه معارف اسلامی در اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض الحسنه اختصاص دارد. با این هدف، تلاش شده است تا ضمن بررسی پیشینه مطالعات مرتبط، به گونه‌ای روش‌مند به بررسی آیات قرآن، روایات و تفاسیر این منابع ارزشمند رجوع شده و معیارهای مذکور استخراج و گزارش شود.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند اصل مسئله اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض در اسلام، مورد توجه جامعه علمی نبوده است؛ اما در سال‌های اخیر مطالعاتی در زمینه اولویت‌بندی معیارهای مؤثر در ریسک اعتباری، اولویت‌بندی دریافت‌کنندگان انفاق، معیارهای شایستگی دریافت‌کنندگان انفاق، نیازهای اساسی انسان و همچنین ماهیت و جایگاه قرض الحسنه انجام شده است که هرکدام ارتباطاتی با مسئله حاضر دارند. اکنون به بررسی پیشینه پژوهش در هرکدام از موارد مذکور می‌پردازیم.

سیاه‌کارزاده و محمدی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «نظام سنجش اعتبار در بانکداری

اسلامی؛ ضرورت، جایگاه و الزامات»، با روش تحلیلی - استنباطی با بررسی پدیده اعتبارسنجی در بانکداری اسلامی به‌ویژه مدل بانکداری بدون ربای ایران، بر اساس آموزه‌های اسلامی ضرورت سنجش اعتبار را در دو سطح خرد و کلان اثبات می‌کند. در سطح خرد ایفای نقش وکالتی بانک‌ها در قبال سپرده‌گذاران و اجرای عقود اسلامی در قراردادهای بانکی براساس مختصات واقعی آن‌ها و در سطح کلان لزوم استقرار عدالت اقتصادی و جلوگیری از بحران‌آفرینی به بهانه کسب سود و منفعت بیشتر را از دلایل اهمیت سنجش اعتبار در بانکداری اسلامی می‌داند. همچنین پژوهش‌های متعددی در حوزه ریسک اعتباری در اسلام صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

محمدی‌آشنانی و راضی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت اعتبارسنجی مشتریان از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و ارائه الگوی بهینه»، با روش تحلیل توصیفی و با استفاده از مستندات مستخرج از قرآن، روایات و مبادی فقهی به بررسی ضرورت اعتبارسنجی مشتریان در هنگام اعطای تسهیلات پرداخته‌اند. درنهایت الگویی با عنوان الگوی اسلامی که بیانگر معیارهایی برگرفته از آیات و روایات است برای اعتبارسنجی مشتریان ارائه نمودند. الگوی بیان شده شامل شاخص‌هایی چون منفعت و سودآوری، وثیقه، لیاقت و صلاحیت علمی، قرارداد، رفتار اعتباری، آگاهی و دانش و نمای آینده است.

ذاکرنیا و خادم‌علیزاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «اصول حاکم بر اعتباری‌سنجی در مدیریت ریسک اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن»، با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف کشف ضرورت سنجش صلاحیت‌های متقاضیان و واکاوی آثار اجتماعی اعتبارسنجی به بررسی قرآن کریم و روایات مرتبط پرداخته‌اند. درنهایت با توجه به اصول قرآنی - روایی عدالت اجتماعی، خلیفه‌اللهی انسان، لزوم وفای به عهد، لزوم حاکمیت اسلام بر بازار، قوام جامعه بودن اموال، لزوم استفاده صحیح از اموال و ندادن آن به سفها و قاعده‌لاضرر، لزوم توجه به اعتبارسنجی را اثبات نموده‌اند.

با مرور پیشینه حاضر در مطالعات تطبیقی ریسک اعتباری در اسلام، مشخص می‌گردد که تمام پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه سعی بر یافتن دلالت‌های مرتبط با اهمیت اعتبارسنجی وام‌گیرندگان در منابع قرآنی، روایی و فقهی داشته‌اند.

با این حال به ابعاد مؤثر دیگر در اولویت‌بندی وام‌گیرندگان توجه نشده است. برخی از پژوهش‌ها با رویکرد قرآنی به تفسیر و دلالت‌یابی آیات ظاهر در اولویت‌بندی انفاق پرداخته‌اند.

شکرانی و سیدناری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌سنجی انفاق در قرآن و حدیث»، با بررسی آیه شریفه ۲۱۵ سوره بقره، آیات مشابه و روایات مربوطه، پس از مروری بر دلالت آیه بر اولویت انفاق، به بررسی ملاکات موجود در اولویت‌سنجی انفاق پرداخته‌اند. در نتیجه بیان می‌کنند که با توجه به تمامی آیات انفاق، اولویت‌ها در انفاق به ترتیب عبارت است از: والدین، خویشاوندان، یتیمان، مساکین، همسایگان، همراهان و همنشینان، در راه ماندگان، سائلان و بردگان.

آرام و سیدامامی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی»، با روش کارکردگرایی و با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی نهادهای سنتی تکافل اجتماعی پرداخته و جایگاه آن نهادها را در آیات و روایت واکاوی نموده‌اند. در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای سنتی موجود در جوامع اسلامی توانمندی مطلوبی در پاسخگویی به نیازهای افراد نیازمند و کمک به کاهش فقر در جامعه دارند. آنها نهادهای موضوع تکافل را به ترتیب خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، اخوت دینی و ولایت عنوان می‌کنند که ما از این دسته‌بندی در اولویت‌بندی استفاده خواهیم نمود.

با بررسی پیشینه پژوهش اولویت‌بندی انفاق مشخص می‌گردد که هرچند به اهمیت نسبت اجتماعی در تعیین اولویت انفاق اشاره شده است؛ اما تحقیق جامعی بر تمام معیارهای مؤثر صورت نگرفته است. علاوه بر این، با توجه به اینکه قرض‌الحسنه بر خلاف سایر افراد انفاق، یک انفاق همراه با بازپرداخت است، ویژگی‌های متمایزی نسبت به آنها داشته و نیاز است تا اولویت‌بندی پرداخت آن از ابعاد دیگری نیز بررسی گردد. در زمینه مطالعاتی که در زمینه قرض و قرض‌الحسنه انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

کميجانی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، به واکاوی جایگاه قرض در اقتصاد اسلامی و آثار اجتماعی و

اقتصادی پرداخته و عملکرد نهادهای متولی قرض‌الحسنه در ایران را بررسی نموده است. وی نتیجه گرفته است که قرض‌آثاری ازجمله کاهش فاصله طبقاتی، افزایش پس‌انداز عمومی، افزایش سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های بادوام داشته و در صورت استفاده صحیح از آن تأثیری بر رشد نقدینگی نخواهد گذاشت. لازم به ذکر است که در این مطالعه، نیازمند بودن را شرط اباحه استقراض در اسلام دانسته است.

حبیبیان نقیعی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی»، با مرور شاخص‌های سنجش تأمین نیازهای اساسی به بررسی توانایی پاسخگویی راهبردهای توسعه به تأمین نیازهای اساسی انسان پرداخته و قرض‌الحسنه را نهاد مناسبی برای پاسخگویی به بخشی از خلأ الگوهای توسعه غربی در مسئله عدالت توزیعی و عدالت در رفاه عمومی یافته است. علاوه بر این او تأکید کرده است که نیاز محور اساسی در ابداع اولیه قرض‌الحسنه و جهت‌دهنده اصلی این نهاد بوده و استقراض بدون نیاز دارای کراهت شدید است.

یزدانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی»، با هدف تبیین نقش قرض‌الحسنه در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه با روش توصیفی به بررسی آثار دوجبهی (در جهت عرضه‌کننده و دریافت‌کننده وجوه) قرض‌الحسنه در متغیرهای مهم اقتصادی ازجمله مصرف، خلق پول و سطح پس‌انداز پرداخته است. او نتیجه گرفته است که قرض‌الحسنه نهاد توانمندی است که با تکیه بر مشارکت مردمی و سیاست‌گذاری‌ها و حمایت‌های صحیح دولتی، قدرت بالایی در پاسخگویی به نیازهای مختلف اجتماعی اقتصادی جامعه دارد. وی در ضمن تحقیقات خود، وجود انگیزه‌های معنوی در جهت قرض‌دهنده و وجود نیاز اساسی در جهت قرض‌گیرنده را از ویژگی‌های اصلی قرض‌الحسنه می‌داند.

هادوی‌نیا (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی»، به بررسی نقش قرض‌الحسنه در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته است. او به جهت تحقق این مهم، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی آثار قرض‌الحسنه بر مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی ازجمله تعدیل مصرف، عدالت اقتصادی، مردمی‌شدن

اقتصاد، انگیزه اقتصادی و تولید ملی پرداخته و نتیجه گرفته است که در صورت رعایت شدن آداب اسلامی قرض گرفتن، قرض الحسنه آثار مفیدی بر تحقق اقتصاد مقاومتی خواهد گذاشت. لازم به ذکر است که او نیاز اساسی داشتن قرض گیرنده را جزء اصلی ترین آداب قرض الحسنه به شمار آورده است.

با مرور پیشینه پژوهش های مرتبط با قرض الحسنه مشخص می گردد که آنچه در پژوهش های مرتبط با قرض الحسنه به انجام رسیده است، بیش از همه ناظر به بایسته ها و آداب و همچنین آثار اجتماعی - اقتصادی قرض الحسنه بوده است. باین حال در برخی از پژوهش ها و ذیل بحث بایسته های قرض، به شرط وجود نیاز اساسی در متقاضی دریافت قرض اشاره شده است. باین حال ابعاد مختلف دیگر در تعیین شایستگی متقاضی و یا اولویت بندی آنها بررسی نگشته است. در انتها به بررسی پژوهش های غربی انجام شده در مورد اولویت بندی مستقرضان می پردازیم.

اولین تلاش ها برای طراحی مدل های نوین آماری طبقه بندی در عصر جدید، در سال ۱۹۳۸ با مطالعات ریاضیدان و متخصص ژنتیک انگلیسی، فیشر^۱ آغاز گشت (Kiss, 2003). وی در تلاش بود تا با استفاده از ویژگی های فیزیکی گل ها رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس، روشی را برای رده بندی گیاهان ابداع کند (Fisher, 1936). دانه^۲ (۱۹۳۸) نخستین کسی بود که با هدف کشف معیارهای اثرگذار بر درجه اعتباری افراد، سیستمی شامل ۵ معیار؛ موقعیت شغلی فرد، وضعیت درآمد و هزینه ها، وضعیت دارایی ها و بدهی ها، ضامن یا وثیقه های موجود و کیفیت بازپرداخت وام های گذشته او در بانک های دیگر را مطرح نمود (Kiss, 2003). سپس دوران^۳ (۱۹۶۱) با استفاده از دستاوردهای آماری فیشر و با هدف طراحی مدلی برای اولویت بندی متقاضیان دریافت وام خرید ماشین انجام داد. نتیجه مطالعات او به طراحی مدلی متأثر از معیارهای موقعیت شغلی متقاضی، ثبات شخصی (ازجمله تعداد سال هایی که در آدرس فعلی زندگی کرده و یا در شغل فعلی سپری کرده است)، جنسیت، وضعیت

1. Fisher
2. Dunham
3. Duran

دارایی‌ها (حساب‌های بانکی، املاک و مستغلات و بیمه‌های عمر) و بدهی و مقدار اقساط ماهیانه فرد منجر شد (Duran, 1941).

همان‌گونه‌که بیان شد، پژوهش‌های غربی انجام شده در مورد اولویت‌بندی مستقرضان، متأثر از نگاه منفعت‌طلبانه نسبت به قرض در جهان غرب، تنها به معیار ریسک اعتباری توجه داشته و از ابعاد مختلف دیگر غفلت نموده است.

هرچند پژوهش‌های انجام شده توسط دانهم (۱۹۳۸) و دوران (۱۳۴۱) فرصت چندانی برای اثرگذاری گسترده در نظام مالی زمان خود نداشت؛ اما دو دهه بعد و با گسترش فناوری‌های رایانش و محاسبات، اقبال جامعه بانک‌داران به مدل‌های نظام‌مند اعتبارسنجی افزایش یافته و این مدل‌ها به‌طور گسترده‌ای در شبکه بانکی مغرب زمین استفاده گردید. بااین‌حال علی‌رغم اینکه مدل‌های آماری موجود در اعتبارسنجی اشخاص حقیقی در سده اخیر پیشرفت‌های فراوانی داشته است؛ اما معیارها و صفات اصلی دخیل در مدل تفاوت چندانی با معیارهای مورد نظر دانهم (۱۹۳۸) و دوران (۱۳۴۱) نکرده است.

لذا با توجه به تحقیقات سابق انجام شده، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد دگرخواهانه اسلام به قرض مبتنی بر نظرهای مرحوم علامه طباطبایی و شهید سیدمحمدباقر صدر، به بررسی معیارهای مؤثر در اولویت‌بندی متقاضیان قرض پرداخته و این معیارها را به دو قسمت معیارهای ناظر به شایستگی متقاضی و معیارهای ناظر به مطلوبیت‌های واقعی تأمین‌کننده وجوه تقسیم نموده است و از این جهات نوآوری اصلی مقاله محسوب می‌شود.

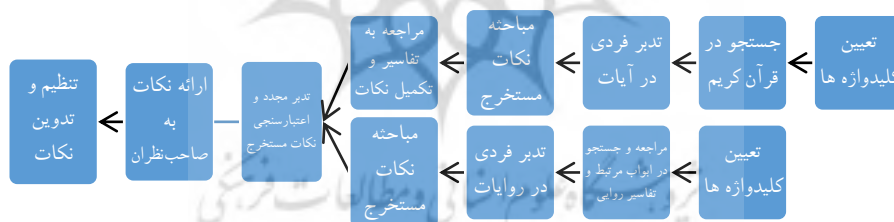
۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تفسیر و تدبر موضوعی قرآن کریم و روایات بهره گرفته است که در بین روش‌های تحقیق، یک روش بنیادی و نظری شناخته می‌شود. در گام اول پس از تبیین مسئله، تمامی ابعاد و کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع قرض مشخص گردیده و در قرآن کریم جستجو گردید. در گام بعد، در آیات گردآوری شده تدبر گردید. در این مرحله ابتدا چندین بار هرکدام از آیات قرآن کریم قرائت شده و نکات

احتمالی استخراج گردیده است. در گام سوم، چهارچوب مفهومی معیارهای اولویت‌بندی متقاضیان قرض بر اساس قرآن کریم استخراج شد. در گام چهارم به تفاسیر قرآن کریم مراجعه گردید و از یافته‌های مفسران در تکمیل گزاره‌های پژوهش استفاده شد.

پس از اتمام گام‌های چهارگانه در بررسی آیات قرآن کریم، به بررسی روایات معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته و از سه مسیر مراجعه به ابواب مرتبط در کتاب شریف کافی و برخی از دانشنامه‌های موضوعی برخط، جستجوی کلیدواژه‌های پژوهش در کتاب شریف بحارالانوار و همچنین مراجعه به تفاسیر روایی ذیل هرکدام از آیات قرآن کریم، روایات مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری گردید. در ادامه به تدبیر روایات و مراجعه به شرح‌های نگاشته شده برای هر روایت و سپس به مباحثه نکات مستخرج پرداخته شد.

درنهایت تمامی نکات نهایی مستخرج از قرآن و روایات، به دو نفر از صاحب‌نظران و اساتید که سابقه پژوهش مرتبط با مسئله تحقیق داشته‌اند ارائه گشته و با دقت‌نظر ایشان ارتقاء یافت.



منبع (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): مراحل روش استفاده شده در مقاله حاضر (روش پژوهش تدبیر در قرآن و روایات)

۳. مبانی نظری پژوهش

به‌طورکلی انواع روش‌های تأمین مالی را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود. گروه اول به انگیزه سود انجام شده و یا این انگیزه در آن‌ها قابلیت بروز جدی دارد، ازجمله مشارکت، مضاربه، اجاره و بیع. در گروه دوم انگیزه سود مالی در آن‌ها به‌طور مستقیم

وجود نداشته و هدف از انجام آن‌ها اطاعت از فرامین الهی و انگیزه‌های خیرخواهانه است؛ مانند: صدقه، هبه، وقف و قرض. در قرض‌الحسنه، قرض‌دهنده مال در اختیار خود را برای مدتی (معلوم یا نامعلوم) به مالکیت قرض‌گیرنده در آورده و با هدف رفع نیاز طرف‌مقابل، برای مدتی از منافع مال خود چشم‌پوشی می‌کند. در نگاه اسلامی قرض نیز به مانند صدقه، ابزاری برای تحقق تعاون اجتماعی و رفع نیاز نیازمندان است (یزدانی، ۱۳۹۰). عقد قرض از عقود معاوضی است که در نتیجه انشاء آن، ملکیت مال از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده منتقل گشته و در ازای آن، ذمه فرد قرض‌گیرنده به بازپرداخت مثل آن شی یا قیمت ارزش آن شی مشغول می‌شود. دین مبین اسلام با مطرح نمودن ربای قرضی و آداب قرض دادن و قرض گرفتن و بازپس گرفتن مال مستقرض، نگاه منفعت‌طلبانه را از قرض گرفته و رویکردی خیرخواهانه و دگرخواهانه به آن بخشیده است. یکی از اهداف مهم قرض‌دادن پیاده‌شدن صفت «کریمانه زیستن» در قلب مؤمن است. از آنجایی که در الهیات و حیانی اسلام محوریت با مسئله توحید است، مؤمن با اطاعت محض از دستورات اسلام، نور توحید را در قلب خویش می‌یابد و قلب او مباشر با ایمان می‌گردد. یکی از این دستورات توحیدی «قرض دادن» است که مورد تأکید معارف و حیانی اسلام قرار گرفته است که مؤمن با آراستن خود بدین صفت، گام‌به‌گام خود را به توحید کمالی نزدیک می‌کند.

البته لازم به ذکر است که برخی از اندیشمندان مانند موسویان و میثمی (۱۳۹۷) با توجه به امکان لحاظ برخی انگیزه‌های غیرالهی در قرض، قرض را به دو دسته قرض‌الحسنه و قرض تقسیم نموده‌اند. باین حال آنچه مسلم است این است که لااقل بخشی از قرض ذیل صدقات و انفاقات مستحبی (و در برخی شرایط واجب کفائی) قرار می‌گیرد.

براین اساس توجه به تفاوت «قرض غیرربوی» و «قرض‌الحسنه» مهم است. قرض از جهت فقهی - حقوقی، به عنوان یک عقد مطرح است و شرایط خاصی دارد؛ اما از جهت اقتصادی، رفتاری است که توجه به عامل‌هایی چون انگیزش‌ها در تحلیل آن تأثیر بسیار دارد. از نتیجه‌های بخش اول نیازمند بودن وام‌گیرنده و انگیزه معنوی و اخروی قرض‌دهنده است که باید آن‌ها را دو رکن از ارکان قرض‌الحسنه به‌شمار آورد؛ البته در

انعقاد عقد قرض رعایت این دو، به عنوان شرط، مورد توجه قرار نمی گیرد؛ بنابراین می توان گفت رابطه بین قرض ربوی و قرض الحسنه اعم و اخص مطلق است و قرض الحسنه زیرمجموعه «قرض غیرربوی» است (هادوی نیا، ۱۴۰۱).

لفظ قرض در قرآن با لفظ قرض در روایات و کتب فقهی متفاوت است. واژه قرض به تنهایی در هیچ یک از آیات قرآن به کار نرفته است؛ لکن ترکیب وصفی «قرضا حسنا» در پنج سوره و شش جای قرآن کریم آمده است. آیات شریفی که در آنها عنوان «قرض حسن» مشاهده می شود عبارت است از: بقره: ۲۴۵، مائده: ۱۲، حدید: ۱۱ و ۱۸، تغابن: ۱۷، مزمل: ۲۰.

در مجموع می توان گفت در غالب سیاق های پنج سوره مربوط به آیات قرض در کنار بحث قرض حسن، مسائلی نظیر صدقه دادن، زکات دادن، کمک و شرکت در جهاد، احسان و انفاق کردن مطرح شده است؛ اما اثبات مطلوبیت قرض الحسنه به کمک آیات مورد اختلاف است. درواقع ماده اقراض قرآن کریم در همه جا درباره قرض دادن به خدا آمده است و با وصف حسنا مقید شده است. انفاق در راه خدا بدین جهت قرض دادن به او خوانده شده است تا نشان دهد که عوض آن از طرف خداوند متعال برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است؛ لذا لفظ قرآنی «قرض حسن» مراد از آن انفاق است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۴۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۸).

در تعریف مرحوم علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان، عنوان قرض در آیات شریفه در لغت به معنای کندن بیان شده است؛ لذا اعراب به قیچی مقراض یعنی وسیله کندن می گویند.

در نتیجه در آیه شریفه ۲۴۵ سوره مبارکه بقره «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»، کسی که به خداوند متعال مالی قرض می دهد، به تعبیری انفاق انجام می دهد چراکه ذیل عنوان جهاد در راه خدا قرار گرفته است که در سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۱ «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به آن اشاره شده است و هیچ دلیلی بر محدود ساختن مفهوم، به وسیله مصداق وجود ندارد. بدین سبب آیات قرض حسن همه

کارهای نیک را دربرمی‌گیرند.

اتفاق معنای گسترده‌تری از قرض دارد براین اساس اتفاق هم در اموال و هم در غیراموال استفاده شده است؛ به‌طورمثال روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد صدقات جاریه داریم؛ «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» که ذیل اتفاق غیراموال شناخته می‌شود. همچنین بر این مبنا می‌توان گفت همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی قرض الحسنه هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۵۳). متشرعین نیز قرض صحیح غیرربوی بین انسان‌ها را با تأسی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیدند. در منابع روایی شیعه نیز روایاتی براین اساس وجود دارد که بر درستی این سخن که قرض یکی از کردار نیک است، گواهی می‌دهد.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: زمانی که آیه ۸۹ سوره نمل (هرکس عمل نیکی انجام دهد، پس برایش پاداشی بهتر خواهد بود) فرو فرستاده شد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: خدایا، بر آن بیفزای پس «هرکسی عمل نیکی را به‌جای آورد، برایش ده برابر پاداش خواهد بود» (انعام / آیه ۱۶۰) افزوده شد. سپس رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گفت: خدایا، بر آن بیفزای پس خداوند این‌گونه نازل فرمود: «کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد، تا آن را برایش چندین برابر کند؟» (بقره / آیه ۲۴۵). پس پیامبر دریافت بسیاری که از سوی خدا باشد، قابل شمارش نیست و پایانی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۸).

با توجه به ادله مطرح شده قرض قرانی با عنوان اتفاق همپوشانی معنایی دارد و عقد قرض را می‌توان جزو اتفاق تقسیم‌بندی نمود؛ بنابراین در مقاله حاضر از آیات و روایات مرتبط با موضوع اتفاق استفاده شده است.

۳-۱. رویکرد دووجهی اسلام در یاری‌رسانی

با بررسی اندیشه، فروع و احکام اسلامی به‌نظر می‌رسد که اسلام در جهت یاری‌رسانی مادی و غیرمادی، از دو رویکرد همزمان متمرکز و غیرمتمرکز استفاده می‌کند. در رویکرد متمرکز، امام جامعه و نمایندگان او مسئول سرپرستی تمامی افراد جامعه و تهیه

و جمع‌آوری کمک‌های لازم برای انجام این مهم هستند. این سرپرستی ابعاد مختلفی دارد و تنها به سرپرستی مالی ختم نمی‌گردد. ازسوی دیگر باید توجه نمود که وجود وظیفه سرپرستی جامعه بر دوش حکومت اسلامی منجر به ازمیان‌رفتن مسئولیت مسلمین نسبت به یکدیگر و غیرمسلمین نمی‌گردد.

از تدبر در آیات قرآن استنباط می‌شود که تمامی مؤمنان از یک حقیقت واحد و سرشت نوری یگانه‌ای برخوردارند. نکته در آن است که کثرت اسمی مؤمنان نباید رهن حقیقت واحد نوری جان‌های ایشان باشد. یکی از تعبیر لطیف قرآن درباره مؤمنان در آیه ۷۱ سوره توبه، تعبیر به «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» می‌باشد. آیه ۶۷ سوره توبه درباره منافقان تعبیر «بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» را آورده بود؛ اما آیه ۷۱ همین سوره درباره مؤمنان می‌فرماید: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»، شاید اختلاف تعبیر به‌خاطر آن است که بر خلاف مؤمنان، وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقان نیست و هنگام بروز منافع شخصی وفادار نیستند و وحدتشان ظاهری و صوری است. به تعبیر قرآن: «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» آنان را متحد می‌پنداری، درحالی‌که دل‌هایشان پراکنده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۳۵۰).

همچنین رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحُمِهِمْ، وَ تَوَادِّهِمْ، وَ تَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالْسَّهْرِ وَالْحُمَّى» (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۵۸، ص. ۱۵۰). نمونه مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی بهم چون یک تن است که چون تیکه‌ای از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد. به همین جهت در جامعه اسلامی نیاز است تا علاوه بر طراحی نظامات سرپرستی و تأمین حکومتی بر مردم، نظامات و نهادهای اجتماعی سرپرستی و تأمین میان افراد نیز مورد توجه قرار گرفته و به انحاء مختلف تقویت گردد.

۴. یافته‌ها و نتایج

پس از بررسی‌های صورت گرفته در آیات و روایات، درنهایت مشخص گردید که دو گروه معیارهای زیر در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان اهمیت دارد.

۴-۱. معیارهای متناظر با شایستگی قرض‌گیرنده

با توجه به تعالیم اسلامی، شایستگی متقاضیان دریافت قرض به معیارهای ضرورت نیاز متقاضی (از منظر اساسی بودن آن نیاز در زندگی شخص)، دلیل نیازمند شدن متقاضی، نوع مصرف متقاضی و همچنین تلاش اقتصادی و انگیزه وی برای بازگرداندن دیون بستگی دارد.

۴-۱-۱. ضرورت نیاز درخواست‌کننده

وجود نیاز، جوهره اصلی قرض و عامل ابداع آن بوده است (حبیبان نقیعی، ۱۳۸۴). در نصوص اسلامی، قرض گرفتن بدون داشتن نیاز جدی مذموم شمرده شده است. به‌طوری‌که می‌توان داشتن نیاز ملموس (که با توجه به اقتضائات و سطح رفاه جامعه مشخص می‌گردد) را شرط لازم برای ورود متقاضی به فرایند اولویت‌بندی تعریف کرد؛ به‌عنوان مثال در روایات متعددی قرض دادن قرین به نیازمند بودن مستقرض شده است مانند روایتی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که فرمودند: «هرکس به گرفتار و درمانده‌ای قرض بدهد و در پس گرفتن آن خوش‌رفتاری کند، اعمالش را دوباره شروع می‌کند»^۴ یا در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر آیه ۷۸ سوره یوسف (در بیان ویژگی محسنین) نقل شده است: «در مجالس برای تازه‌واردان جا باز کرده، برای نیازمندان قرض گرفته و به ضعیفان کمک می‌کرد». در این روایت از یستقرض استفاده شد، یعنی حضرت یوسف (علیه‌السلام) واسطه می‌شدند تا برای نیازمندان قرض بگیرند. روایات متعددی نیز برای توصیه به استقراض در شرایط خاص نقل شده است؛ مانند توصیه به استقراض برای کسی که به‌دنبال کسب حلال است؛ اما فقر بر او چیره شده است^۵ یا توصیه به استقراض برای کسی که چهل روز است به‌دلیل فقر گوشت نخورده است^۶ و همچنین استقراض برای تهیه ابزار حفظ نظافت.^۷ در تمامی آنها در

۴. مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبْتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۲۸۹).

۵. عن موسی بن بکر عن أبی الحسن الاول (علیه‌السلام) قال: من طلب الرزق من حله فغلب فليستقرض علی الله عزوجل وعلی رسوله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، حدیث ۳۳۸۴).

۶. مَنْ أُتِيَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَلَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ وَلْيَأْكُلْهُ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص. ۳۱۵).

۷. السنة فی النورة فی کل خمسة عشر یوماً فإن أتت علیک عشرون یوماً ولیس عندک فاستقرض علی الله (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص. ۵۰۶).

کنار توصیه به قرض دادن یا توصیه به قرض گرفتن، از نیازی مهم نامبرده شده است. همچنین در بیان برتری قرض نسبت به صدقه بیان شده است که قرض تنها به دست نیازمند تعلق می‌گیرد؛ اما صدقه ممکن است به غیرنیازمند هم برسد.^۸ همچنین از لسان برخی روایات بر می‌آید که اصحاب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرض گرفتن برای امور غیرضروری را ناشایست شمرده و با شک و تردید در زمینه‌های مجاز قرض از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سؤال می‌پرسیده‌اند؛ به عنوان مثال عبدالملک بن عتبة الهاشمی از اصحاب صاحب کتاب امام کاظم (علیه‌السلام) است که رجالیون نیز ایشان را ثقه دانسته‌اند (شبیری زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰). در روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) از امکان استقراض برای حج پرسیده است یا اصحاب امام صادق (علیه‌السلام) از ایشان در مورد امکان استقراض برای ازدواج پرسیده‌اند.^۹ هرچند پاسخ ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در این موارد بر جواز برخی مصادیق استقراض برای ازدواج و حج دلالت دارد، با این حال وسواس در موارد استقراض را در جایی ردع نکرده‌اند.

با توجه به آنچه مرور شد و نظر به امکان تعدد کسانی که متقاضی دریافت قرض هستند، بدیهی است که نیازهای واجب‌تر اولویت خواهند داشت. از منظر فقهی نیز رفع برخی از این نیازها (مانند هرآنچه به ادامه حیات فرد مربوط می‌شود) واجب و برخی مستحب است.

الگوهای متفاوتی برای اولویت‌بندی نیازهای انسان مطرح شده است. از جمله مشهورترین این الگوها، نظریات روانشناسان و جامعه‌شناسان غربی در حوزه انگیزش افراد است. از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه هرم نیازهای مازلو (۱۹۴۳)، نظریه سه سطحی نیازهای آلدرفر (۱۹۷۲) و نظریه مک‌کللند (۱۹۵۳) اشاره نمود. در حوزه مطالعات علوم انسانی اسلامی نیز پژوهش‌هایی هم در حوزه نقد نظریات فوق و

۸. قال الصادق (علیه‌السلام): مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةِ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَإِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَقَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۴۰).

۹. عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام): جُعِلْتُ فِدَاكَ يَسْتَقْرِضُ الرَّجُلُ وَيَحِجُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: يَسْتَقْرِضُ وَيَتَزَوَّجُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ يَنْتَظِرُ رِزْقَ اللَّهِ غَدَوَةً وَعَشِيَّةً (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، ص. ۸۲).

بررسی نیازهای انسان از منظر قرآن کریم (با رویکرد انگیزش) صورت گرفته است که ازجمله آن‌ها می‌توان به مطالعه مروتی و یعقوبی (۱۳۸۹)، کاویانی و کریمی (۱۳۹۰) و کجباف (۱۳۹۴) اشاره کرد. لازم به ذکر است که به‌دلیل رویکرد خاص نظریه‌پردازان فوق در تعریف نیازها (تعریف نیاز با رویکرد انگیزش انسان)، نظریه‌های فوق تطابق کاملی با مسئله مورد نظر مقاله ندارد.

بخش دیگری از نظریات متناظر با سلسله‌مراتب نیازهای انسانی در ادبیات اقتصاد توسعه مطرح شده است. رویکرد نیازهای اساسی اولین‌بار توسط سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۸۰ معرفی گردید (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۴). این رویکرد عمدتاً در واکنش به نتایج نامناسب و ناتوانی رویکردهای توسعه مبتنی بر ساختارگرایی در مبارزه با فقر پدید آمد. در این رویکرد، میزان حداقل مطلق منابع لازم برای رفاه فیزیکی درازمدت مشخص شده و مفهوم خط فقر (حداقل میزان درآمد لازم برای رفع نیازهای اساسی خانواده) تعریف می‌شود. سپس سازمان‌های جهانی (ازجمله سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی) بر مبنای این رویکرد و با هدف تدوین برنامه‌هایی برای ریشه‌کن کردن فقر اقدام به طراحی مدل‌های مختلفی از نیازهای اساسی انسان نمودند (دینی ترکمانی، ۱۳۹۰). هیکس و استرین (۱۹۷۹) به مطرح نمودن شش نیاز اساسی انسان‌ها و تعریف شاخص‌های عملی برای آن‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها به شش نیاز اساسی سلامتی، عرضه آب، تغذیه، بهداشت، مسکن و آموزش اشاره نموده‌اند و آن‌ها را بر نیازهای دیگر متقدم دانسته‌اند (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۴). اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هفت نیاز مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده را نیاز اساسی انسان‌ها نامیده است.

به نظر می‌رسد که علی‌رغم مطالعات انجام شده، همچنان ابهامات و سؤالات جدی در مورد تعیین اولویت‌های نیازهای انسان وجود داشته و نیاز است تا پژوهشگران علوم انسانی اسلامی به این مسئله توجه جدی نمایند. به‌دلیل اقتضائات پژوهش حاضر، انجام مطالعات در زمینه اولویت‌های نیازهای مستقرضان در همین سطح متوقف گشته و پاسخ این مسئله در پژوهش‌های دیگر انجام خواهد شد.

۴-۱-۲. سلوک توحیدی نیازمند

در آیه شریفه ۲۷۳ سوره بقره^{۱۰} برخی از ویژگی‌های شایستگی افراد برای دریافت انفاق بیان شده است. در این آیه شریف، قید «فی السبیل الله» در عبارت «الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ»، نشان‌دهنده اهمیت توجه به دلیل احتیاج فرد نیازمند است. واژه حصر به معنای ممنوع بودن است؛ اما تنها به وجود مانع باطنی اشاره دارد، درحالی که واژه احصار به همین معنا هر دو منع ظاهری و باطنی را دربرمی‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). عمده مفسران صراحتاً اشاره کرده‌اند که اصل در مصرف انفاقات بر مصرف برای فقرایی است که در مسیر خدا احصار شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳) و این به دلیل عنایت ویژه الهی به کسانی که در مسیرش قرار دارند (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). همچنین برخی مفسران عقیده دارند احصار در اینجا برای هر دو منع ظاهری (به مانند کسب علم یا درگیری با دشمن) و باطنی (به مانند بیماری) به کار رفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳) و آیه اشاره به وجود هر مانع عرفی، عقلی و یا شرعی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم دارد (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). باین حال برخی از مفسران عقیده دارند که بدون ذکر شدن عبارت «لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ» نشان‌دهنده این است که منشأ ناتوانی فقرا مورد نظر آیه، محصور و محبوس شدن در راه خداست نه ناتوانی ناشی از مرض یا سالمندی (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۲۴۱). همچنین گفته شده است که مسیر خدا تنها جنگیدن در راه او نیست بلکه اشتغال به انجام انواع واجبات عینی و کفائی منظور آیه است و مصادیق بارز آن کسانی هستند که به تحصیل علوم دینی پرداخته یا با هدف رفع خطر احتمالی از حکومت اسلامی به تحصیل فنون نظامی می‌پردازند (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰).

درنهایت لازم به ذکر است که این آیه در مقام بیان فرد افضل از موارد صرف انفاق

۱۰. لِّلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

است. با این توضیح که این آیه مقید اطلاق آیه ۶۰ سوره توبه^{۱۱} یا آیه ۲۱۵ سوره بقره^{۱۲} نبوده و درحقیقت همه فقرای مسلمان، مستحق و مورد صرف انفاقات و صدقات‌اند؛ اما در بیان نوعی ارجحیت در محصورشدگان و واقفان خویشتن در راه خداست.^{۱۳} آن چه سبب تعلق انفاق به شخص نیازمند است، وابستگی تام به صفات و شاخصه‌های راسخه در نفس نیازمند دارد و طبق آیه شریفه، عبارت است از «احصار فی سبیل الله» که مطلق احصار را شامل می‌شود. آنچه از احصار فهمیده می‌شود، روح غالب بر آن است، که ظاهراً بازگشت آن به سلوک ایمانی و توحیدی می‌باشد. بدین معنا که پس از تعیین مقصد در مسیر ایمان به خدا، و تقید به لوازم ایمان، مطلق موانع و مشکلاتی که در رسیدن بدین مقصد سد راه سالک است، می‌تواند از مصادیقی باشد که نیازمند را مستحق دریافت انفاق می‌کند.

۴-۱-۳. رفتار اجتماعی متعففانه

میزان تعفف و آبروداربودن نیازمند ازجمله ملاک‌های اولویت‌بندی نیازمندان در دریافت صدقات مطرح شده است. در قرآن کریم به‌طور مستقیم در آیه ۲۷۳ سوره مبارک بقره در عبارت «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» به این مسئله اشاره شده است. عفت حالتی است که انسان در مقابل غلبه شهوات استواری می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). بالاترین درجه عفت، سیطره یافتن عقل انسان (البته عقلی که ما عبد به الرحمن و کتسب به الجنان باشد) (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۱۱). بر تمامی قوای نفسانی است، به‌طوری که شهوات انسان تماماً در کنترل عقل باشد. که این همان

۱۱. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

۱۲. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

۱۳. در برخی از آیات شریف قرآن کریم مانند آیه ۶۰ سوره توبه، «فی سبیل الله» درمقابل دیگر موارد صدقه ذکر شده است که در اینجا به این دلیل که تفصیل نشان‌دهنده عدم شرکت است، مراد از فی سبیل الله شخصیت‌های حقوقی است؛ مانند احداث اماکن عام‌المنفعه است. همچنین گاهی فی سبیل الله به‌طور مطلق به‌کار برده شده است که مراد همه موارد انفاق اعم از افراد و سازمان‌های خیریه است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰).

بالاترین درجه ایمان است (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). استفاده از واژه «تعفف» به آن جهت است که عفت تبدیل به صفت و ملکه آن‌ها شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳). «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنْ تَعَفُّفٍ» یعنی اظهار فقر نکرده و از خلق خدا درخواست نمی‌کنند و نشانه‌های فقر را بروز نمی‌دهند مگر آنچه در پوشاندنش ناتوان‌اند. چراکه اگر درخواست می‌کردند یا نشانه‌های فقر را بروز می‌دادند، جاهلان از روی جهل آنان را غنی نمی‌دانستند (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰). برخی از مفسران با توجه به وجوب درخواست از دیگران در شرایط اضطرار گفته‌اند که عبارت به دنبال نفی مطلق درخواست از غیر نبوده و اشاره به درخواست در شرایط غیرضرور دارد (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). به‌طوری‌که به اجماع فقهای شیعه درخواست از دیگران در هنگام ضرورت واجب است. روایاتی نیز مرتبط با این امر وجود دارد؛ مانند روایت شریفی از رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که فرمودند درخواست کردن روا نیست مگر برای فقر کشنده یا بدهی کمرشکن.^{۱۴}

در عبارت شریف «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ»، ماده حسب به معنای حکم کردن به یکی از نقیضین به‌طور بدوی و بدون بررسی و تفکر در جانب مقابل است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰)؛ یعنی جاهلان به دلیل تعفف بالا و دوری از ابراز نشانه‌های ظاهری فقر، خیال می‌کنند که این افراد غنی‌اند. در ادامه آیه فرموده است «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ» که در سیما (مشتق شده از وسم) به معنای علامت و نشانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)؛ یعنی آن‌ها هرچند تلاش دارند تا ابراز فقر نکرده و تا حد اجازه شریعت از کسی درخواست نکنند؛ اما نشانه‌های فقر داشته و از روی این نشانه‌ها قابل شناسایی‌اند. در نتیجه آنکه نیازمندی این گروه را از روی نشانه‌ها و علائم رنج درونی غیرقابل پوشاندنشان باید شناخت و نه از روی درخواست و اصرار آنها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶).

برخی از مفسران گفته‌اند که وجوه فضیلت داشتن پوشاندن فقر و عدم درخواست و

۱۴. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): إِنْ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِفَقْرٍ مُدْقِعٍ، أَوْ غُرْمٍ مُقْطِعٍ (مجلسی، ۱۴۲۰: ۲۹/۱۵۶/۹۶).

اصرار از مردم، مقابله اسلام با فاصله اجتماعی هم به صورت واقعی و هم به صورت ظاهری است. با این توضیح که ابراز فقر منجر به نمایان شدن فاصله‌های اجتماعی موجود در سطح مردم شده و این از منظر اسلام قبیح است (عابدینی، ۱۳۹۸).

این معیار در منابع متعدد دیگری نیز وارد شده است، چنان‌که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «خداوند مبعوض دارد دشنام‌دهنده بدزبان را و گدای پيله‌کن را».^{۱۵} همچنین از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است: «هرکس از غیرخدا چیزی بخواهد شایسته محرومیت است».^{۱۶} به این ترتیب نوع رفتار اجتماعی انسان‌ها در پوشاندن فقر را باید یکی از معیارهای اصلی اولویت‌بندی نیازمندان در دریافت انواع اتفاقات دانست. تعفف، ظهور و بروز غنای ذاتی مؤمن است. بدین معنا که وقتی قلب ظرف پذیرش و باور دستورات الهی می‌گردد، غنای خاصی به قلب می‌بخشد. به نحوی که قلب انسان دو وجه پیدا می‌کند. از یک سو قلب به شدت خود را محتاج خالق خویش می‌بیند و متصف به وجدان فقر ذاتی می‌گردد و از سویی دیگر غنای ذاتی پیدا می‌کند. فقر نسبت به خالق، و غنا در مواجهه با ما سوی الله. در اینجا است که در مواجهه با خلق، با وصف تعفف برخورد می‌نماید و طبق آیه شریفه آن‌کس که جهل به مبانی معرفتی مؤمن دارد، او را در زمره اغنیاء می‌پندارد.

۴-۱-۴. مجاهدت اقتصادی در خواست‌کننده و انگیزه وی برای پرداخت قرض

در روایاتی شریف از امام صادق (علیه السلام) به این نکته اشاره شده است که در افرادی که برای معیشت و پرداخت دیون خود تلاشی نمی‌کنند خیری نیست.^{۱۷} همچنین در جایی دیگر از وجود مبارک ایشان نقل شده است که کسی که پایبند عهد و پیمان نیست دین ندارد.^{۱۸} براین اساس، فردی که مسئولیت تعهدات خود را نپذیرفته و

۱۵. إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَزِيءَ وَالسَّائِلَ الْمُلْحِفَ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۳۲۵).

۱۶. عنه (علیه السلام): مَنْ سَأَلَ غَيْرَ اللَّهِ اسْتَحَقَّ الْحِرْمَانَ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۷۹۹۳).

۱۷. لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۶۶).

۱۸. عنه (علیه السلام): لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ۴۷/۲۵۲/۸۴).

انگیزه چندانی برای رفع دیون خود نداشته باشد، انسانی است که خیری در او نبوده و دینی برایش متصور نیست. همچنین از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که کسی که قرض گرفته و تصمیم به بازپرداخت آن نداشته باشد، دزد محسوب می‌شود.^{۱۹}

همچنین در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «هرکس بدهکار باشد و قصد پرداخت آن را داشته باشد، از جانب خداوند عزوجل دو محافظ و نگاهبان برای او قرار داده می‌شود که برای پرداخت بدهی‌اش کمکش کنند و این کار را به خاطر امانت‌داری او انجام می‌دهند. ولی اگر خیلی به فکر بدهی‌اش نباشد کمتر کمکش می‌کنند همان قدر که در تصمیم او نسبت به پرداخت بدهی‌اش، کاستی وجود دارد»^{۲۰} که در این حدیث شریف نیز با ذکر عبارت «مَا قَصُرَ مِنْ نِيَّتِهِ»، توجه ویژه‌ای به اراده مدیون برای بازپرداخت بدهی شده است.

علاوه بر این، اساس جامعه بر احساس مسئولیت و اعتماد متقابل بنا شده است. به همین جهت لزوم پایبندی به تعهدات و دیون مورد توافق تمام جوامع با ادیان و فرهنگ‌های مختلف است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهد مالک اشتر فرمودند: «اگر پیمانی میان خود و دشمن بستنی یا لباس امان بر او پوشاندی به عهده وفا کن و قرارداد خود را محترم بشمار و جان خویش را در برابر تعهدات سپر قرار ده؛ زیرا هیچ‌یک از فرایض الهی همچون بزرگداشت وفای به عهد و پیمان نیست و مردم جهان با تمام اختلافات و تشتت‌آرایی که دارند نسبت به آن اتفاق نظر دارند. علاوه بر مسلمین حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، چراکه عواقب دردناک پیمان‌شکنی را آزموده بودند»^{۲۱}. به همین جهت عدم التزام افراد به قراردادها و

۱۹. اَعْلَمُ أَنَّهُ مَنِ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَ نَوَى قَضَاءَهُ، فَهُوَ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَقْضِيَهُ، فَإِنْ لَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ فَهُوَ سَارِقٌ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۲۶۸).

۲۰. مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيَنْوِي قَضَاءَهُ كَانَ مَعَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظًا يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ فَإِنْ قَصُرَتْ نِيَّتُهُ عَنْ الْأَدَاءِ قَصُرَ عَنْهُ مِنَ الْمَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصُرَ مِنْ نِيَّتِهِ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص. ۹۵).

۲۱. وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ، وَارْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدَّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَتَشْتَتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ. وَقَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

تعهدهایشان به فروپاشی اعتماد و احساس مسئولیت متقابل و درنهایت فروپاشی اجتماعی منجر می‌شود. ازاین‌رو توجه به مسئولیت‌پذیری متقاضی دریافت قرض از اهمیت بالایی برخوردار است. چنان‌که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد شرایط جامعه پس از ایشان فرمودند: «هرگاه بدعهدی کنند خداوند دشمنشان را بر آنان مسلط کند»^{۲۲}.

لازم به ذکر است که این معیار، رابطه مستقیمی نیز بر معیار دوم (سلوک توحیدی نیازمند) خواهد گذاشت، چراکه با توجه به بیان روایات، کسی که بدون نیت بازپرداخت اقدام به دریافت دین کند، گناهکار محسوب شده و این مسئله با در راه خدا بودن فعالیت‌های آن فرد قابل جمع نخواهد بود.

۴-۲. معیارهای متناظر با مطلوبیت‌های واقعی قرض‌دهنده

در کنار معیارهای مرتبط با شرایط زندگی و ویژگی‌های شخصی متقاضیان دریافت قرض که در میزان شایستگی آنها در دریافت قرض اثرگذار است، معیارهای دیگری وجود دارد که بر مسئله اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان دارای اثر خواهد بود. اصلی‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: نسبت اجتماعی متقاضی و پرداخت‌کننده قرض و همچنین ریسک اعتباری متقاضی. این معیارها مربوط به شایستگی قرض‌گیرنده نبوده و بسته به قرض‌دهندگان مختلف، نحوه اثرگذاری آنها در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان متفاوت خواهد بود.

۴-۲-۱. نسبت اجتماعی درخواست‌کننده و پرداخت‌کننده

بنابر تعالیم اسلامی، اولویت انفاق با نزدیکان و خویشاوندان و همسایگان است و با این موضوع آیات و روایات متعددی از جمله آیات ۱۷۷ و ۲۱۵ سوره مبارک بقره^{۲۳} بیان شده است. مطابق نظر برخی از مفسران، با فرض اینکه استحباب انفاق به یتیم و مسکین آیه شریف ۲۱۵ اشاره به انفاق مستحب دارد، بالاین‌حال با توجه به وجوب

۲۲. وَ إِذَا تَقَضُّوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۳۷۴).

۲۳. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

کفائی (و نه استحباب) انفاق به یتیم و مسکین و اصالت اطلاق، بسیاری از مفسران همچون جوادی آملی (۱۳۸۶)، موسوی سبزواری (۱۴۰۹)، طباطبایی (۱۳۹۰)، فاضل مقداد (۱۴۲۲ق) و طبرسی (۱۳۷۲) عقیده دارند این آیه مربوط به هر دو نوع انفاق واجب و مستحب است (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۶).

برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که هر چند آیه ۲۱۵ سوره بقره در بیان اولویت انفاق است؛ اما با توجه به استفاده از حرف عطف واو ترتیب ذکر شده در آیه نشانه ترتیب اولویت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰)؛ اما باید اشاره نمود عدم استفاده از فاء به جای واو به جهت رفع انحصار در اولویت بوده است. همچنین با توجه به اقتضای حکمت در عدم ترجیح بلامرجح، مسبوق به سابقه بودن استفاده از این نوع ترکیب برای بیان ارجحیت در قرآن کریم و ابتلاء بسیار زیاد مردم به این مرجحات (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۶) امکان دلالت این آیه بر اولویت بسیار بالاست. همچنین گروه دیگری از مفسران از ترتیب ذکر شده در آیه، اولویت در انفاق را استنباط نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶؛ سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). درنهایت، عده‌ای از مفسران عقیده داشته‌اند که اولویت‌بندی بیان شده در این آیه بعداً توسط آیه ۶۰ سوره توبه نسخ شده است؛ اما این ادعا صحیح نبوده و هیچ دلیلی بر نسخ و منسوخ بودن این دو آیه وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص. ۲۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۳۵۰)؛ بنابراین آیات و برخی دیگر آیات مشابه، یکی از ابعاد اولویت انفاق در اسلام از ترتیب خاصی پیروی می‌کند که متأثر از نسبت اجتماعی انفاق‌کننده و نیازمند است. به‌صورتی که هر چقدر نسبت اجتماعی نزدیک‌تر باشد، اولویت بالاتری خواهد داشت و پس از آن هم اولویت به‌ترتیب با یتیمان، مساکین (فقراء دارای نیاز شدید) و در راه‌ماندگان است.

لازم به ذکر است که توجه به این اولویت‌ها از دیرباز در فرهنگ جوامع مسلمان نهادینه شده بود و با عنوان «تکافل اجتماعی» مورد بررسی پژوهشگران مسلمان نیز قرار گرفته است. تکافل از باب تفاعل در اصطلاح تخصصی نوعی همیاری چندجانبه است که در آن افراد یک جامعه کم‌وکیف نیازها و مشکلات یکدیگر را شناسایی و تا حد قابل توجهی تأمین می‌کنند (آرام و سیدامامی، ۱۳۹۵). نهادهای تکافل اجتماعی به

شیوه‌های برخورد در مقابل وضعیت‌های مستمر تثبیت شده در دل جوامع نهاد اجتماعی گفته می‌شود. نهادهای اجتماعی در کنار فرهنگ و ساختار اجتماعی، کنش افراد را نظم داده و هماهنگ می‌کنند (شارون، ۱۳۷۹). با بررسی آیات و روایات و همچنین ملاحظه سطح روابط، وابستگی‌ها و احساس مسئولیت‌های متقابل، نهادهای فعال تکافل اجتماعی را می‌توان به خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایگی، دوستی، برادری و نهاد ولایت مرتب کرد (آرام و سیدامامی، ۱۳۹۵). بسته به سطح رابطه و توانایی هریک از نهادها، میزان متفاوتی از وظیفه تأمین اجتماعی بر عهده آنان خواهد بود. ازاین‌رو نهادهای تکافل اجتماعی توانایی بالایی در تشخیص نیاز و نیازمند واقعی و حفظ آبروی نیازمند داشته و در صورت فراگیر شدن، در پایدار شدن منابع تأمین مالی اثر به‌سزایی خواهند داشت.

در انتها باید یادآوری نمود که ورود معیار نسبت اجتماعی متقاضی و پرداخت‌کننده قرض، به بی‌عدالتی در حرکت یافتن وجوه و اجحاف در حق متقاضیان بی‌سرپرست و بدسرپرست منجر نخواهد شد. چراکه این مسئله برخاست از توصیه‌های اکید اسلام در زمینه انفاق بوده و مسلماً هیچ تعارضی با عدالت نخواهد داشت و همچنین با توجه به رویکرد دوگانه اسلام در تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمدها، هرچقدر نهادهای تکافل اجتماعی افراد ضعیف‌تر باشد، به همان نسبت وظیفه حاکمیت و نهادهای حمایتی متمرکز در پشتیبانی از وی بیشتر خواهد شد.

۴-۲-۲. توانایی بازپرداخت درخواست‌کننده (ریسک اعتباری)

در روایت شریفی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که «هزار درهم را اگر دوبار قرض بدهم، بیشتر دوست دارم از اینکه آن را یک مرتبه به‌عنوان صدقه بپردازم»^{۲۴}. در این روایت به‌وضوح به‌ویژگی مثبت بازتجهیز شدن منابع در قرض اشاره شده است. مشخص است که لازمه بازتجهیز شدن منابع نیازمند بازپرداخت قرض‌گیرندگان است. ازاین‌رو توجه به بازپرداخت قرض‌گیرندگان نیز در کنار سایر

۲۴. قَالَ النَّبِيُّ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): أَلْفُ دِرْهَمٍ أَفْرَضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۳۹).

معیارها دارای اهمیت خواهد بود. از سوی دیگر، دین مبین اسلام علاوه بر توجه به نیازهای افراد قرض گیرنده و یا نیازمندان دریافت صدقه، به اقتضائات زندگی انفاق کنندگان نیز توجه ویژه‌ای داشته است. از همین روی در صفحه ۵۶ از جلد دوم کتاب شریف من لایحضر الفقیه به نقل از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است که: «بهترین صدقه آن است که از مازاد قوت عیال باشد و چون قصد انفاق کنی به افراد عائله خودت آغاز کن»^{۲۵}. مطابق این روایت شریف، بهترین انفاق‌ها آن است که از زیاده خرج زندگی باشد و منجر به کمبود نفقه خانواده نباشد؛ بنابراین میزان تمکن مالی قرض دهنده (با لحاظ زمان، مکان و شأن خانواده‌اش) در کم و کیف تأثیر معیار ریسک اعتباری در اولویت بندی مستقرضان اثرگذار خواهد بود، چراکه با توجه به احتمال نکول شدن مال قرض داده شده، نوساناتی به وضعیت اقتصادی فرد قرض دهنده وارد شده و اگر این فرد دارای تمکن مالی کافی نبوده باشد، دچار مشکلات معیشتی خواهد شد و این مسئله در حدیث شریف نهی شده است؛ بنابراین حداقل با توجه به کیفیت تمکن مالی قرض دهنده، توجه به احتمال بازپرداخت بدهی اهمیت خواهد داشت.

همچنین علاوه بر دلیل بالا، می‌توان استدلال نمود که از آنجایی که در اسلام اموال و ثروت‌ها، مایه قوام زندگی و اجتماعات عنوان شده است، جامعه‌ای که نعمت‌های مادی را به طور صحیح مورد استفاده قرار دهد، قوام و استحکام می‌یابد و زمینه رشد افراد در آن جامعه به خوبی مهیا می‌شود. مال و ثروت وسیله خیر و مایه رشد و برکت است، اگر در راه مشروع و صحیح مصرف شود و استفاده نادرست از آن جامعه را به فساد می‌کشاند. قرآن کریم در این رابطه در آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آن‌ها روزی دهید و لباس بر آنان بپوشانید و با آن‌ها سخن شایسته بگویید»^{۲۶}.

۲۵. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرٍ غَنَى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۵۶).

۲۶. وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.



شکل (۲): معیارهای اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان

نتیجه‌گیری

نظام اقتصادی از نقش بی‌بدیلی در مسیر تحقق جامعه اسلامی و تحصیل تمدن نوین اسلامی برخوردار است. نظام گردش دارایی و سرمایه‌ها، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء نظام اقتصادی جامعه، تأثیراتی شگرف در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، تعیین نسبت‌های اجتماعی و روابط میان‌فردی، توزیع ثروت و جهت‌دهی انگیزه‌های جامعه دارد. در این میان، عقد قرض به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین روش‌های انتقال دارایی و سرمایه‌ها در جوامع بشری، نیاز به توجه ویژه‌ای دارد.

در مطالعه حاضر به واکاوی معیارهای مورد نظر اسلام در اولویت‌بندی مستقرضان در آیات قرآن و روایات پرداخته شد. به جهت تحقق این مهم و پس از تدبر در آیات و روایات و مراجعه به تفاسیر و پرسش از صاحب‌نظران، معیارهای زیر استخراج گردید: با توجه به یافته‌های تحقیق، معیارهای ذیل را می‌توان برای اولویت‌بندی وام‌گیرندگان ملاحظه کرد.

جدول (۱): یافته‌های پژوهش

معیار	نوع معیار	جهت اثر	دلیل
ضرورت نیاز درخواست‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	۱- قاعده عقلی ۲- دلالت التزامی روایت شریف: «مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ» ۳- دلالت التزامی روایت شریف: «من طلب الرزق من حله فغلب فليستقرض على الله عزوجل وعلى رسوله (صلى الله عليه وآله وسلم)». ۴- دلالت التزامی روایت شریف: «مَنْ أُتِيَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَلَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ فَلَيْسَتْقَرِضٌ عَلَى اللَّهِ وَلْيَأْكُلْهُ». ۵- دلالت التزامی روایت شریف: «السنة في النورة في كل خمسة عشريوما فإن أتت عليك عشرون يوما وليس عندك فاستقرض على الله». ۶- دلالت التزامی روایت شریف: «الْصَّدَقَةُ بِعَشْرَةِ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَأِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَقَدْ يُطْلَبُ الصَّدَقَةُ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا». ۷- دلالت التزامی روایت شریف: «جُعِلَتْ فِدَاكَ يَسْتَقْرِضُ الرَّجُلُ وَيَحِجُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: يَسْتَقْرِضُ وَيَتَزَوَّجُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ يَنْتَظِرُ رِزْقَ اللَّهِ غَدَوَةً وَعَشِيَّةً».
سلوک توحیدی نیازمند	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	آیه شریفه «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُفْقُّوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۷۳).
رفتار اجتماعی متعطفانه درخواست‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	آیه شریفه «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُفْقُّوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۷۳). و احادیث مرتبط

معیار	نوع معیار	جهت اثر	دلیل
مجاهدت اقتصادی درخواست‌کننده و انگیزه وی برای پرداخت قرض	معیارهای خاص قرض‌الحسنه	شایستگی متقاضی	دلالات‌های التزامی موجود در سه حدیث زیر: ۱- حدیث شریف: لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۸۰). ۲- حدیث شریف: مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ أَخَذَهَا يُرِيدُ إِتْلَافَهَا اتَّلَفَهُ اللَّهُ (پابنده، ۱۳۲۴، ص. ۷۶۲). ۳- دلالت التزامی حدیث شریف: السَّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ: مانع الزكاة، وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النَّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مَنْ إِسْتَدَانَ وَ لَمْ يَنْوَ قِضَاءَهُ (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۴۶).
نسبت اجتماعی درخواست‌کننده و پرداخت‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	بایسته‌های ناظر به قرض‌دهنده	۱- آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْآقَرِبِينَ وَ لِلْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۱۵) و آیات مشابه. ۲- حدیث شریف: خَمْسُ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرْصٍ أَوْ دَنَانِيرُ أَوْ دَرَاهِمُ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضَّيْهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالدَّيْهِ ثُمَّ الثَّانِيَةُ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ ثُمَّ الثَّالِثَةُ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءُ ثُمَّ الرَّابِعَةُ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءُ ثُمَّ الْخَامِسَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ هُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا.
توانایی بازپرداخت درخواست‌کننده (ریسک اعتباری)	معیارهای خاص قرض‌الحسنه	بایسته‌های قرض‌دهنده	۱- آیه شریفه: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء / آیه ۴). ۲- دلالت التزامی حدیث شریف: أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَ إِبْدَاءُ بَمَنْ تَعُولُ وَ الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَ لَا يَلُومُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْكَفَافِ. ۳- دلالت التزامی حدیث شریف: أَلْفُ دِرْهَمٍ أَفْرَضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً.

با مقایسه معیارهای به دست آمده و معیارهای وارد شده در مدل‌های غربی، مشخص می‌شود که مدل‌های غربی دارای تعارض مستقیم با اسلام نبوده و صرفاً به جهت نادیده انگاشتن برخی از ابعاد اجتماعی و معنوی قرض و همچنین اهداف والای اسلامی در صورت‌بندی جامعه، نیازمند تکامل هستند.

هرچند پژوهش حاضر به بررسی معیارهای مؤثر در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان پرداخت، با وجود این به نظر می‌رسد شناسایی اولویت‌های فی‌مابین این معیارها کمک به طراحی نظام کاملی از اولویت‌بندی متقاضیان وام منجر شود.

پیشنهادهای

در نهایت پیشنهاد می‌شود تا محققان و پژوهشگران گرانقدر، در موضوعات اولویت‌های تأمین اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی پژوهش‌های لازم را انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود تا سنجه‌هایی برای هریک از معیارها طراحی گردد. همین‌طور به نظر می‌رسد تا تحقیقاتی تجربی بر ارزیابی تأثیرات استفاده از نهادهای تکافل اجتماعی صورت گیرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آرام، محمدرضا و سیدامامی، کاووس (۱۳۹۵). سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، (۲)، ۱۶۳-۱۹۴.

ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰ق). کتاب السرائر: الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دارالشریف.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). فقه الرضا. مشهد: المؤتمر العالمی لامام الرضا (علیه السلام).

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۴). *قرض الحسنه و تأمین نیازهای اساسی*. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. (۳۵)، ۳۷-۵.
- حر عاملی، محمد (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیا التراث.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *دین و قرض*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۹۰/۱۲/۲۳). *رویکرد نیازهای اساسی و توسعه انسانی*. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۶۰۱.
- ذاکرنیا، احسان و خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۶). *اصول حاکم بر اعتباری‌سنجی در مدیریت ریسک اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی*، سال ششم، (۲)، ۳۴-۵.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: دار التفسیر.
- سیاه‌کارزاده، محمدسجاد و محمدی، محسن (۱۳۹۱). *نظام سنجش اعتبار در بانکداری اسلامی؛ ضرورت، جایگاه و الزامات*. *تحقیقات مالی اسلامی*، (۲)، ۱۱۵-۱۴۱.
- شارون، جوئل (۱۳۷۹). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه منصوری کاشانی، تهران: بی‌نا.
- شبییری زنجانی، موسی (۱۳۸۹/۸/۷). *عبدالملک بن عتبّه*: <http://almaktab.ir/archive/index.php?thread-7.html>
- شکرانی، رضا و سیدناری، طاهره (۱۳۹۶). *اولویت‌سنجی انفاق در آیات و روایات*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، سال دهم، (۲)، ۳۹-۶۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- عابدینی، محمدرضا (۱۳۹۸/۱/۱۸). *شرح تفسیر المیزان سوره بقره (آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴)*.
- فاضل‌مقداد، مقداد (۱۴۲۲ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: مکتب نوید اسلام.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۵۳). *قاموس قرآن*. تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی.

کاویانی، محمد و کریمی، محمدرضا (۱۳۹۰). منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو. *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۵(۹)، ۷۹-۱۰۴.

کجباف، محمدباقر (۱۳۹۴). بررسی تاثیر حفظ قرآن کریم بر سلامت روان. *اسلام و سلامت*، ۶(۱).

کلینی، محمد (۱۴۱۱ق). الکافی. بی جا: بی نا.

کمیحانی، اکبر (۱۳۷۷). درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن. *نامه مفید*، ۱۴(۱).

مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ق). *بحار الأنوار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

محمودی آشنانی، علی و راضی، احمدرضا (۱۳۹۲). ضرورت اعتبارسنجی مشتریان از دیدگاه آموزه های اسلامی و ارائه الگوی بهینه. *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های مالیة اسلامی*، سال اول، ۱(۱)، ۸۷-۹۸.

مروتی، سهراب و یعقوبی، مینا (۱۳۸۹). نقد و بررسی نظریه انسان شناسانه «مازلو» با رویکردی بر آیات قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، سال چهارم، ۱(۷).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. قم: دارالکتب الاسلامیه.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی (۱)*. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۷). *بانکداری اسلامی (مبانی نظری - تجارت عملی)*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی

هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۹۵). نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی. *پژوهش های اقتصاد مقاومتی*، سال اول، ۲(۲)، ۱-۳۲.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی*، سال یازدهم، ۵ و ۶، ۲۹-۴۰.

Alderfer, Clayton (1972). *ERG theory (Existence, Relatedness and Growth)*. the journal *Organizational Behavior and Human Performance*.

Dunham, Allison (1938). *Modern Real Estate Transaction-cases and Materials*. Second Edition . Journal of Legal Education

Hicks, Tom & Strin (1979). *The Art of Effective Communication: A Beginner's Guide*.

Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370-396.

McClelland, D. C.; Atkinson, J. W.; Clark, R. A. & Lowell, E. L. (1953). *The achievement motive*. Appleton-Century-Crofts

References

- The Holy Quran.
Nahjul-Balagha.
Alderfer, Clayton (1972). ERG theory (Existence, Relatedness and Growth). the journal Organizational Behavior and Human Performance.
Aram, Mohammad Reza & Seyedamami, Kavous. (1395). Poverty Alleviation Policies with a Focus on Social Solidarity. Scientific-Research Quarterly of Political Science, 163-211. (In Persian)
Dini Turkmani, Ali (1390,12,23). The Approach of Basic Needs and Human Development. Donya-ye Eqtesad Newspaper, 2601. (In Persian)
Dunham, Allison (1938). Modern Real Estate Transaction-cases and Materials. Second Edition . Journal of Legal Education
Durand, David (1941). Risk Elements in Consumer Instalment Financing, Technical Edition. National Bureau of Economic Research, 83-91. (In Persian)
Fisher, Ronald (1936). The Use of Multiple Measurements in Taxonomic Problems. Annals of Eugenics, 179-188. (In Persian)
Habibian Naqibi, Majid (1384). Qard al-hasana and Meeting Basic Needs. Economic Research and Policies, 5-37. (In Persian)
Hadavi-Neja, Ali Asghar (2016). The Role of Qard al-Hasana in a Resistant Economy. Research on a Resistant Economy, 1-32. (In Persian)
Hicks, Tom & Strin (1979). The Art of Effective Communication: A Beginner's Guide.
Ibn Idris, Muhammad (1410). Kitab al-Sara'ir: al-Haawi li-Tahrir al-Fatawa. Qom: Islamic Publications Institution. (In Persian)
Ibn Qutaybah, Abdullah (1408). Gharib al-Hadith. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (In Persian)
Jowadi Amuli, Abdullah (1386). Tafsir-e Tasnim. Qom: Esra. (In Persian)
Kamijani, Akbar (1998). An Introduction to the Position of Qard al-Hasana in Islam and Its Economic Effects. Nameh-e Mofid. (In Persian)
Kiss, Ferenc (2003). Credit scoring process from a knowledge management perspective. Periodica Polytechnica Social and Management Sciences, 95-110. (In Persian)
Kulayni, Muhammad. (n.d.) Al-Kafi. (In Persian)
Majlesi, Muhammad Baqir (2001). Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'imah al-Athar 'Alayhim al-Salam. Qom: Islamic Publications Institute.
Makarem Shirazi, Naser (1992). Tafsir-e Nemuneh. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. Psychological Review, 50(4), 370-396.
McClelland, D. C.; Atkinson, J. W.; Clark, R. A. & Lowell, E. L. (1953). The achievement motive. Appleton-Century-Crofts
Mohammadi Ashnani, Ali & Radi, Ahmadreza (2013). The Necessity of Customer Credit Scoring from an Islamic Perspective and Presenting an Optimal Model. Semi-annual Scientific Research Journal of Islamic Finance Research, 87-98. (In Persian)
Qaraati, Mohsen (2009). Tafsir-e Noor. Tehran: Darshahi az Quran. (In Persian)

- Yazdani, Maryam (2011). Qard al-Hasana and Its Role in Addressing Social and Economic Needs. Monthly Journal of Review of Economic Issues and Policies, 29-40. (In Persian)
- Zakernia, Ehsan & Khadem Alizadeh, Amir (1396). Principles Governing Credit Scoring in Credit Risk Management in Islamic Banking from the Quranic Perspective. Research Journal of Islamic Finance, 5-34. (In Persian)

